

نوشته به خط مقلد سالیانه از سینه سینه آن که در نامه تالیفات (۱) است

### اروپا

سعد خیرات الحق و الذی بعثه من الله و الذی بعثه من الله و الذی بعثه من الله

(شماره هشتم) (پنجاه و یکمین شماره) اول سنبله ۱۳۲۷ سال ششم

## تعدیل در نسب نامه آل گرت

(سهو های لین بول در دول اسلامی و آقای عباس اقبال در تاریخ مفضل ایران) آل گرت از مشاهیر سلاطین علم دوست و ملوک آسیای میانه اند که از اواسط قرن هفتم هجری 'برای اکثر حصص خراسان دست یافتند' و این مملکت را از آموی به ناشط ستم و جدات سیاسی دادند. در این زمان در مملکت گرت حکمداری این دودمان هرات بود و در دوران ناختمهای وحشیانه مغل و سیاه رفاه و راحت مملکت جفا دیده خراسان گردیدند. علماء و ادباء را بر ور بدند و در بار هرات مجمع شعراء و فضلاء وقت گردید بسی از مو لفات نو بسند گان و علمای معروف بنام شاهان این دودمان اهداء شد.

گرت نامه ربیعی یوشنگی و مطول علامه سعد الدین تفتازانی و تاریخنامه هرات و سا منامه و مجموعه غیانی سیفی هر وی و زاد المسافرین و نزله الارواح امیر حسینی غوری از مشهور ترین مؤلفات این عصر است که در هرات نوشته شد و بحضور ملوک آل گرت تقدیم کردند.

قرا ریکه مؤرخان مینویسند دو نفر از پسران این خاندان در دربار سلطان غیاث الدین محمد سوم غوری (۵۵۸ - ۵۹۹ هـ) مراتب بلندی داشتند که یکی تاج الدین عثمان مرغنی و دیگر هم برادرش عزالدین عمر مرغنی از بنی اعمام سلطان غور است. و عزالدین سمعت و وزارت آن سلطان را داشت (۱). در باره این دو نفر در این مقاله و در این مقاله در حقیقت پرورند گان نخستین این دودمان 'همین دو نفر برادران معروفند که بعد از آن ملوک دیگر از این دودمان بر هرات و خراسان سلطنت و اندامند و لی مؤرخان را در باره آنها اختلافاتی است' که من اندرین مقاله تا جائیکه

(۱) تاریخ مفضل ایران ج ۱ - ص ۳۶۷ (۲) مملکت گرت در تاریخ مفضل ایران ج ۱ - ص ۳۶۷ (۳) مملکت گرت در تاریخ مفضل ایران ج ۱ - ص ۳۶۷

مملکت گرت در تاریخ مفضل ایران ج ۱ - ص ۳۶۷ (۴) مملکت گرت در تاریخ مفضل ایران ج ۱ - ص ۳۶۷

میسر است، اختلافات مؤرخان را مینویسم، و به تصحیح اقوال مختلف می‌کوشم:

۱ - عز الدین عمر مرغنی و تاج الدین عثمان مرغنی:

کلمه مرغنی را مؤرخان قدیم بهمین صورت ضبط کرده‌اند، قاضی منهاج سراج در طبقات ناصری و سیفی هروی در تاریخ هرات (مرغنی) می‌نویسند (۱) ولی مؤرخ کنونی ایران آقای عبس اقبال (مرغینی) زیادت (ی) آورده که ضبط‌های قدیم کلمه اختلاف دارد، و من ندانستم که علت تبدیل (مرغنی) به (مرغینی) چیست؟ اگر منسوب باشد به مرغینان که شهری بود در ماوراءالنهر از توابع فرغانه (۲) پس این نسبت نیز از روی شواهد تاریخی یقینی نیست. به عقیده من ضبط کلمه قراریکه در متون قدیم آمده همان (مرغنی) بود. اقربست زیرا شیخ عبدالله قاسمی مؤلف تاریخ مفقود هرات در مدح ملک عز الدین قصیده دارد، که سیفی هفت بیت آنرا نقل میکند، و مطلع آن چنین است:

ایام شد مساعده امید شد مرغنی در عهد عز الدین عمر آتشاه مرغنی  
ازین بیت پدید می‌آید، که در عهد خود عز الدین هم او را مرغنی می‌گفتند نه مرغینی. زیرا زیادت یک (ی) قصیده را از بحر عروضی و قافیه خود میکشد و از قوافی ابیات دیگر هم همین مقصد بخوبی آشکارا میشود، زیرا (روشنی - دنی - نوسنی و غیره) را نمیتوان با مرغنی قافیه ساخت. اینک بقیه ابیات فرخنده خسرویکه ز کهل سخای او دارد همیشه دیده حاجات روشنی  
خورشید با ترفیع و گردون با علو با جاه او محقر و با قدر او دنی  
در عهد او قضا نکنند عزم بر دلی و از بیم او فلک نکنند رای نوسنی  
از هفت چرخ همش ارچند برتر است هستش صفت نواضع و حلم و فروغنی  
در پیش تخت شاه مرا ورا رسد بحق تعیین بهلوانی (و) تمام تهمتنی  
بی شبهه روز سخا و گه نه مصاف او راست بزم سخا نمی‌ورزم بیژغنی  
سیفی می‌نویسند: این کلمه در تاریخ ماوراءالنهر از توابع فرغانه در ازبقات هرات چنین شنود که عز الدین عمر مرغنی در عهد سلطان مغفور

(۱) تاریخ مفصل ایران ص ۲۶۷ (۲) مرآة الاطلاع و نادره ص ۱۰۱ (۳)

سعید غیاث الحق والدین در خراسان هر مقامی را بیکی از فرزندان و برادران خود مفوض گردانید ، خطه هرات را بحکم سلطان بجهت خود تعیین فرمود ، و غرجستان را به حسام الدین علی عمر مرغنی داد ، قلعه محروسه خیصار را ... بملك مرحوم تاج الدین عمر ( ۱ ) مرغنی ارزانی داشت و گفت ای برادر ... ( ۲ )

این دو برادران راهم سیفی هروی نبیره ملك مغفور سعید کرت می شمارد و گوید : « ملك کرت در ایام سلاطین بلشکر کشی و قلعه کشائی و عدو بندی مشهور و موصوف بود ... ( ۳ ) »

پیش از سیفی یکی از مؤرخان معروف خراسان قاضی منهاج سراج جوزجانی که معاصر و معاشر فرزندان این دو برادر است نیز ذکر کرده از امیر عثمان دارد و گوید که در عهد سلطان بهاء الدین بن غیاث الدین محمود سام ، امیر عثمان مرغنی سر جاندار بود ( ۴ ) . و اجماع یاقین دو برادر غیر از اشارات کوتاه و مجمل مورخان چیز دیگری بدست نمی آید ، و آنچه منهاج سراج و سیفی نوشته اند ، نیز جز مجملاتی بیش نیست .

۲ - ملك رکن الدین خیصار

پس تاج الدین عثمان مرغنی است ، که کونوال قلعت خیصار غور بود ، گویند این ملك با دختر غیاث الدین محمود از دواج کرده بود ، و ...  
ملك رکن الدین را از روی نوشته های منهاج سراج خوبتر می شناسیم ، زیرا مؤرخ موصوف قبل از سفر همد ، با ملك رکن الدین مجشور بود ، و طوریکه خودش مینویسد ؟ بارها از طرف وی سفارت پیش ملوک دیگر فرستاده شده و از رجال در بار وی بوده است .

نخستین سفارت منهاج سراج دو سال ( ۶۲۲ هـ ) از طرف ملك رکن الدین بطرف قهستان است . که در آن باره گوید : در شهر سنه اثنی و عشرین و ستمائه کتاب این طبقات منهاج سراج را اتفاق سفری افتاد باسم رسالت از غور باشارت

( ۱ ) کذا - ولی باید عثمان صحیح تر باشد ( ۲ ) تاریخنامه هرات ، ص ۱۴۴ ( ۳ ) تاریخنامه هرات ( ۴ ) طبقات ناصری ص ۲۱۲ نسخه قلمی همچنان منهاج سراج در طبقه ۱۴ ذکر ملوک سیستان گوید که عایشه خاتون دختر ملك خراسان عمر مرغنی در حیات ناصر الدین عثمان حرب ملك سیستان ( ۶۱۲ هـ ) بود . ( ۵ ) ... ( ۶ ) ...

ملك سعيد ركن الدين محمد عثمان طاب ثراه بطرف قهستان برای اصلاح راه  
کاروانها و امن بلاد... (۱)

بعد ازین رسالت کورت دوم به قهستان رفت و گوید :

بعد از چند گناه از تولاك اتفاق خدمت ملك ركن الدين محمد عثمان مرغنی

طاب ثراه در سال سنه اثنی و عشرین و ستمائه افتاد به خایسار غور، باشارت این

ملك سعيد کورت دوم بقهستان بوجه رسالت اتفاق افتاد... (۲)

خلاصه : منهاج سراج در موارد متعدد طبقات ناصری، از کرمی از امیر عثمان

مرغنی فرزندش ملك ركن الدين خایسار دارد، که منهاج سراج حضور

خود ملك ركن الدين را دریافته بود، ولی در حین تحریر طبقات ملك

رکن الدین از جهان گذشته بود، چه بقرار تصریح سیفی وفات رکن الدین

(۶۴۳ هـ) است، و طبقات ناصری را منهاج سراج از (۶۵۵ تا ۶۵۸) نوشته است

و ازین رو همواره با نام این ملك مخدوم (طاب ثراه) میخوانند.

در باره نسب این دو برادر مرغنی جز از اشارات مختصر و مجهول سیفی که

از نیره ملك کورت بودند، چیزی در دست نیست، اما آنچه این یول و خلیل ادهم

رکن الدین را کنیت (ابوبکر) داده و او را در سلسله نسب بمنزات پدر

شمس الدین قرار داده اند (۳) ظاهر آن غلط است، زیرا رکن الدین کنیت ابوبکر

رانداشته، و نه پدر شمس الدین محمد است.

در نسخه مطبوع تاریخنامه هرات نیز همین غلطی موجود است (۴) ولی

چون سیفی در موارد دیگر کتاب ضراحتاً رکن الدین را خال شمس الدین شمرده

است، بنابراین این خلط و زیغ را به کاتبان نسخ منسوب باید داشت. و بایستی

از طرف طابعان و چاپ کنندگان تصحیح میشد.

اما آنچه آقای عباس اقبال، شمس الدین را دختر زاده یعنی نواسه ملك

رکن الدین شمرده (۵) که نیز سه، است، که برخلاف تصریح سیفی است، چه

خال برادر مادر است (۶) که بزبان کنونی (ماما) گوئیم، و این نسبه نیز

در تاریخ عباس اقبال قابل تصحیح و تعدیل خواهد بود.

(۱) طبقات ناصری ص ۴۴۸ قلمی (۲) طبقات ص ۳۸۴ (۳) دول اسلامیة طبع استانبول ص ۴۰۳  
(۴) تاریخ هرات ص ۱۴۱ طبع کلمکته (۵) تاریخ مفصل ایران ص ۳۶۷ (۶) همانجا

(۵)

تعمیر در نسب نامہ آل کورت

۳ - شمس الدین محمد مہین: = ...

ملک رکن الدین خیساار با تفاق مؤرخان خواہر زادہ اش ملک شمس الدین محمد مہین را جانشین خویش ساخت . و فات ملک رکن الدین و جلوس شمس الدین محمد بسال ( ۶۴۳ هـ ) است سیفی گوید : و ملک رکن الدین

از فرزندان و نبیر گمان خود ملک مغفور شمس الدین کورت را برگزید . (۱) در جای دیگر ملک رکن الدین را خال ملک شمس الدین مہین می شمارد (۲)

و ازین برمی آید ، کہ ملک شمس الدین نخستین فرد دودمان کورت است ، و سر سلسلہ این خاندان بشمار می آید ، چہ ملوک دیگر آل کورت از نسب اویند - وی

از سال ( ۶۴۳ تا ۶۷۶ هـ ) از کنار آموہ تاسواحل دریای سندبر خراسان حکم راند ، و ملوک طوایف را از غرجستان و غورو سیستان و قندھار و کابل و تمام

و افغانستان تا بکر و کنار دریای سند برداشت ، و بسال ( ۶۷۶ هـ ) در تہریز از جہان در گذشت سیفی تمام جنگہای او را در افغانستان شرح نمیدهد :

مؤرخان سابق و معاصر شمس الدین را پسر ابوبکر کورت شمارده اند (۳) و سیفی نیز او را شمس الدین محمد بن ابی بکر کورت می شمارد (۴) و بدینصورت

گویا ، ابی بکر کنیت ، و کورت نام بالقب پدر شمس الدین است . قراریکہ پیشتر گذشت ، سیفی دو برادر بزرگوار مرغتی را نیز از نبیر گمان

ملک کورت می شمارد ، و اگر این گفته سیفی مدار اعتبار قرار یخی قرار داده شود ، و خبر واحد نباشد ، پس گویا ملک شمس الدین کورت و خال های او

( تاج الدین و عزالدین ) از طرف پدر نیز بیک دودمان می پیوستہ اند ، ولی باید مورت اعلائی آل کورت را ہمین ابوبکر شماریم ، کہ پدر شمس الدین مہین

است زیرا تاج الدین و عزالدین اخوین مرغتی کہ معاصران پدر شمس الدین باشند ، نمیتوان نبیر گمان وی قرار گیرند .

اینک بایستی این مشکل را بقرار ذیل حل کرد : محمد شمس الدین مہین = معاصر و جانشین ملک رکن الدین حدود ۶۴۰ هـ

(۱) تاریخ ہرات ۱۴۵ (۲) تاریخ ہرات ص ۱۵۶ (۳) تاریخ مصلحہ ایران ص ۳۶۷-۳۶۸

(۴) تاریخ ہرات ص ۱۴۰ - ۱۴۱ وغیرہ

شماره هشتم سال ششم  
شماره هشتم سال ششم

ابوبکر کرت پدر شمس الدین = معاصر اخو بن مرغنی حدود ۶۰۰ هـ

یک کرت مجهول دیگر = معاصر پدر اخو بن حدود ۵۶۰ هـ

یک کرت مجهول دیگر = جدیاجد مشترک اخو بن و آل کرت بعد از ۵۰۰ هـ

که همین جدیابدنبیر گمانی را مانند اخو بن مرغنی در حدود (۶۰۰ هـ) بدست داده باشد زیرا مورخان یک قرن را برای سه نسل بحساب می آرند.

چون اکنون غیر از اشارات مجمل منهاج سراج و سنی سند دیگری در دست ندارم که نام پدران اخو بن از آن بدست آید، بنابراین بر همین قدر تفصیل اکتفا رفت.

۴ - شمس الدین کهین بن ابی اسحاق که در سال (۶۷۷ هـ) بنگش بن بعد از وفات شمس الدین محمد مهین کرت در سال (۶۷۷ هـ) بنگش بن

محمد رکن الدین (مشهور به شمس الدین کهین) بجای پدر نشست و به آبادانی هرات و خراسان کوشید و مواضع داد کستری و عدل را نیکی اجیاء کرد و بسال

(۶۸۰ هـ) قلعت قندهار را مسخر کرد و پسر (۱) ملک شمس الدین کهین پسر خود (ملک علاء الدین را بحکمرانی هرات گماشت (۶۸۲ هـ) و خود وی در قلعت خیصار

غور نشست تا که بسال (۷۰۵ هـ) در اینجا مرد باغی پسر بنوا کتروی ملک فخر الدین که در حیات پدرش مدتها محبوس بود بسال (۶۸۳ هـ) از محبوس برآمد و از خیصار

بهرات شد و از اینجا اطراف دیگر ممالک را بدست آورد و بعد از فوت پدر برار بکه جهانپانی نشست (۷۰۵ هـ) (۲)

ملک فخر الدین شاه دانشمند و نکته سنج و فاضلی بود که دو بار روی در هرات مجمع شعرا بود و صدر الدین خطیب پوشنچی متخلص به ربیعی کتاب کرت نامه را

در تاریخ آل کرت در عصر این پادشاه به تقلید فردوسی پرداخت خود ملک فخر الدین نیز شعر می گفت و بشرب سبز (تک) با سبز خطان می پرداخت خودش گوید:

هر که که من از سبز طربناک شوم  
با سبز خطان سبز خورم بر سبزه  
شا رسنه سبز خنک افلاک شوم  
ز آن پیش که همچو سبزه در خاک شوم

ملک فخر الدین بسال (۷۰۶ هـ) از جهان رفت

(۱) تاریخ هرات ص ۳۶۷ - ۳۷۰

(۲) تاریخ هرات ص ۴۰۷

۵ - ملك غياث الدين محمد:

ملك فخر الدين در برادر داشت، یکی غیاث الدین محمد، و دیگر همان علاء الدین

### سابق الذكر . گاه و قهر سلطان

که غیاث الدین بعد از فوت برادر بهمان سال در هرات بتخت شاهی نشست .  
آقای عباس اقبال مؤرخ معاصر ایران، غیاث الدین را فرزند ملک فخر الدین

شمرده است (۱) و نمیدانم درین اتساع چه سندی بدست داشته است ؟  
از روی تصریحات سیفی چنین بدید می آید، که غیاث الدین محمد، برادر  
فخر الدین، و فرزند همان شمس الدین کهن است . چون سیفی مورخ در بارین  
ملك است و هم با وی محشور بود، و کتاب تاریخنامه هرات را هم بنام وی نوشت  
بنابر آن اقوال سیفی درین مورد قابل اعتماد و از قبیل مشاهدات مثبت است  
که اینک به پاره ازان اشارت میرود :

از قول ملك فخر الدين « اینک برادران اعز از من غیاث الدین محمد  
و علاء الدین محمد ابقا هم الله تعالی واسعدهما فی الدارین، با ده هزار مرد غوری  
همه مستعد حرب میرسند ..... » (۲)

در جای دیگری نویسد : « ملك اسلام غياث الحق والد بن که پسر ملك  
مغفور مبرور شمس الد و ات والدین ( کهن ) طالب ثراء است و دیبا جه این تاریخ  
نامه بعد از احمد و نعت بنام بزرگوار او ..... مؤرخ و مزین است ..... » (۳)

جای دیگری می نویسد : « ملك اسلام غياث الدين فرمود که پدر مرحوم  
و مغفور من شمس الحق والدین مرا وصیت کرده است ..... » (۴)  
ازین اقوال سیفی بصراحت بدید می آید، که ملك فخر الدين با غياث الدین  
برادر بود، و هر دو پسران ملك شمس الدین کهن بودند .

با وجودیکه این پول در شجره نسب آل کورت، هر دو را پسران ملك رکن الدین  
( همان شمس الدین کهن ) شمرده است، خطای آقای عباس اقبال، مورد  
شکفتی است ؟

(۱) تاریخ ایران ج ۱ ص ۳۷۷ - ۳۷۹ (۲) تاریخ هرات ص ۵۱۴  
(۳) تاریخ هرات ص ۵۴۳ (۴) تاریخ هرات ص ۵۰۱

اینک بقرار تفصیل گذشته در نسب نامه آل کورت چنین تعدیل و اصلاح بعمل باید آورد .  
ابوبکر کورت پدر شمس الدین کورت (بعد از ۵۵۰۰)

بک کورت  
شماره کت شخصیت آریانا  
؟ (حدود ۵۶۰) ؟  
؟ (حدود ۵۶۰)

تاج الدین عثمان مرغنی  
عزالدین عمر مرغنی  
حسام الدین علی مرغنی (۹)  
(حدود ۶۰۰) عایشه خاتون

ابوبکر کورت (حدود ۶۰۰)  
؟ دختر (خواهر رکن الدین)  
رکن الدین خیسا ر (۶۲۳)

شمس الدین محمد مهین (۶۷۶)  
محمد رکن الدین (شمس الدین کهن)  
(۷۰۵)

ملک فخر الدین (۷۰۶) ملک غیاث الدین محمد (۷۲۹) ملک علاء الدین (۷۱۳)

ملک شمس الدین (۷۳۰) ملک جعفر الدین (۷۳۲) معز الدین حسین (۷۷۱) باقر (۹) (۷۵۳)

محمد بن غیاث الدین پیر علی (۷۸۳)  
پیر محمد

نوت : اعدا دیکه باهریک نوشته شده سنوات وفانست و اولاد معز الدین حسین از دول اسلامیه لین پول یاد داشت شد .

(چمن - ۲۸ نور ۱۳۲۷) عبدالحی حبیبی

(۱) تاریخ هرات سن ۳۶۷ - ۳۶۸  
(۲) تاریخ هرات سن ۳۶۷ - ۳۶۸